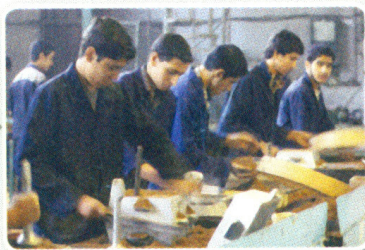




مناسب سازی کتاب عربی، زبان قرآن (۳)

ویژه دانش آموزان با آسیب شنوایی



معاونت آموزشی، پرورشی و تربیت بدنی
کارشناس برنامه ریزی درسی و آموزشی نوآموزان و دانش آموزان با آسیب شنوایی
سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱

قَالَ آمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

قِيَمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ.

ارزش هر انسانی به آنچه (کاری) است که به خوبی انجام می دهد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ وَّعَجِّلْ فَرَجَهُمْ



عربی، زبان قرآن (۳)

کلیه رشته‌های شاخه فنی و حرفه‌ای و کاردانش

پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه





سازمان آموزش و پرورش استثنائی کشور

گروه برنامه ریزی و تدوین:

فاطمه رشنوسیردری - فاطمه انصاری بارده

حسن محقق - حمیده ظریف فرد - ملیحه نخودچیان - زیبا وکیلی

با همکاری اداره آموزش و پرورش استثنائی استان خراسان رضوی

سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲



قال الإمام الخميني (قدس سره):

«لا تقولوا اللغة العربية ليست لغتنا؛ إنها ترتبط بنا؛ لأنها لغة الإسلام و الإسلام للجميع.»

أَلْفِهْرُسُ

- الف | بيشگفتار 
- ١ | الدَّرْسُ الْأَوَّلُ 
- ٢ | النَّص: الزَّرَاعَةُ وَ تَرْبِيَةُ الْمَوَاشِي
- ٥ | اِعْلَمُوا (اسْمُ التَّفْضِيلِ)
- ٨ | التَّمَارِين

- ١١ | الدَّرْسُ الثَّانِي 
- ١٢ | النَّص: آدَابُ الْكَلَامِ فِي الْقُرْآنِ وَ الْأَحَادِيثِ
- ١٥ | حِوَارٌ (فِي الْمَلْعَبِ الرِّيَاضِيِّ)
- ١٦ | اِعْلَمُوا (اسْمُ الْمُبَالَغَةِ)
- ١٩ | التَّمَارِين
- ٢٢ | اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

- ٢٣ | الدَّرْسُ الثَّالِثُ 
- ٢٤ | النَّص: عَجَائِبُ الْمَخْلُوقَاتِ
- ٢٨ | حِوَارٌ (مَعَ الطَّبِيبِ)
- ٢٩ | اِعْلَمُوا (اسْمُ الْمَكَانِ)
- ٣١ | التَّمَارِين
- ٣٤ | اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

- ٣٥ | الدَّرْسُ الرَّابِعُ 
- ٣٦ | النَّص: تَأْثِيرُ اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ عَلَى اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ
- ٣٩ | اِعْلَمُوا (لَنْ يَفْعَلَ، لَمْ يَفْعَلْ)
- ٤٢ | التَّمَارِين
- ٤٣ | اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

پیشگفتار

سخنی با دبیران

کتاب‌های درسی به عنوان اساسی‌ترین ابزار تحصیلی و منبع اصلی دانش محسوب می‌شوند و مناسب بودن آنها با توجه به ویژگی‌ها و شرایط مخاطب نقش بسیار مهمی در پیشرفت تحصیلی ایفا می‌کند.

لذا به منظور تحقق اهداف آموزشی، تسهیل فرآیند تدریس کتب مذکور، تعمیق یادگیری و کیفیت بخشی به آموزش و پرورش دانش‌آموزان با آسیب‌شنوایی، محتوای کتاب‌های عربی سه پایه دوره متوسطه دوم (کلیه رشته‌های شاخه فنی و حرفه‌ای و کاردانش) مناسب‌سازی شده است. محتوای پیش‌رو جلد سوم از مجموعه-ی ۳ جلدی این مناسب‌سازی‌ها می‌باشد. بدیهی است کتاب «عربی، زبان قرآن ۳» منبع اصلی آموزش محسوب می‌شود و این محتوا صرفاً تسهیل‌کننده فرآیند یاددهی-یادگیری کتاب مذکور است.

در این محتوا برخی از مطالب فرعی و تکراری تعدیل و معانی درس‌ها ساده و قابل درک ترجمه شده است. تمرینات تکراری از نظر موضوع ادغام و در بخش اعلمو (بدانید) قواعد و دستورهای مورد نیاز و پیش نیاز اضافه گردیده است.

درضمن جهت بهره‌برداری بیشتر از این محتوا موارد زیر مدنظر قرار گیرد:

۱. توجه به اهداف درس و تغییر رویکرد آموزش (از قاعده محوری به متن محوری)

۲. توجه به اهداف طولی و عرضی دروس

۳. توجه به پیش‌نیازهای دروس و ارزشیابی ورودی هر درس

۴. استفاده از واژگان و عبارات ساده و روان

۵. ارائه درس با استفاده از روش‌ها و شیوه‌های تدریس مناسب

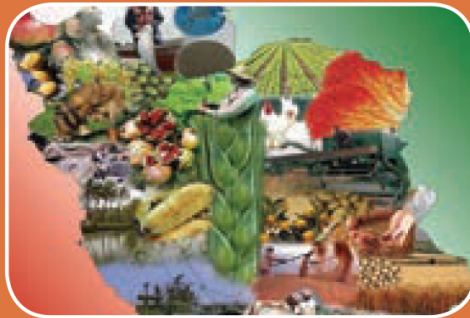
۶. مطالعه کتاب‌های سالهای گذشته و راهنمای معلم کتاب‌های مذکور

۷. شرکت در کلاس‌ها و دوره‌های ضمن خدمت روش‌های تدریس کتب عربی

همچنین به منظور ارتقا سطح محتواهای آموزشی دانش‌آموزان با آسیب‌شنوایی، منتظر پیشنهادات و نظرات ارزنده شما بزرگواران هستیم.



الدَّرْسُ الْأَوَّلُ



عَلَيْكُمْ بِالْغَنَمِ وَالْحَرْثِ.

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

دامداری و کشاورزی کنید.

الزَّرَاعَةُ

ترجمه:

لِلزَّرَاعَةِ دَوْرٌ مُهِمٌّ فِي حَيَاتِنَا وَ مَصْدَرٌ رَئِيسِيٌّ لِلْحُصُولِ عَلَى الْغِذَاءِ.

ترجمه:

هِيَ أَسَاسٌ فِي ظُهُورِ الْحَضَارَاتِ الْقَدِيمَةِ.

ترجمه:

قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ عليه السلام:

خَيْرُ الْمَالِ، زَرْعُ زَرْعِهِ صَاحِبُهُ.

ترجمه:



زِرَاعَةُ الرِّزِّ

ترجمه:



حَصَادُ الْقَمْحِ

ترجمه:



حَصَادُ الْبَطَاطِسِ

ترجمه:



زِرَاعَةُ الشَّوْنَدَرِ

ترجمه:

تَرْبِيَةُ الْمَوَاشِي

ترجمه:

تَرْبِيَةُ الْمَوَاشِي مَصْدَرٌ رَّئِيسِيٌّ لِمُنْتَجَاتِ الْأَلْبَانِ وَ اللَّحُومِ وَ الصُّوفِ.

ترجمه:

مِائَتُ الْأَلْفِ مِنْ سُكَّانِ الْقَرْيَةِ يَحْصُلُونَ عَلَى دَخْلٍ كَبِيرٍ مِنْ تَرْبِيَةِ الْمَوَاشِي دَاخِلَ أَرْضِيهِمْ.

ترجمه:

﴿هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾ هود: ٦١

ترجمه:

قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

نِعَمَ الْمَالُ الشَّاءُ.

ترجمه:



تَرْبِيَةُ الْبَقَرِ

ترجمه:



تَرْبِيَةُ الْغَنَمِ

ترجمه:



تَرْبِيَةُ الْجِمَالِ

ترجمه:



تَرْبِيَةُ الْمَاعِزِ

ترجمه:

الْمُعْجَم

آلاف	هزاران «مفرد: أَلْف / مِائَتُ الْآلافِ: صدها هزار»	دور	نقش
ألبان	فراورده‌های شیری «مفرد: لَبَن، یعنی شیر»	شاة	گوسفند
تَرْبِيَةُ الْمَوَاشِي	دام‌داری «مَوَاشِي جمع ماشية: چارپایانی مانند گاو، گوسفند و شتر»	صوف	پشم
جمال	شتران «مفرد: جَمَل»	فُرَص	فرصت‌ها «مفرد: فُرْصَة»
حَرْث	کاشتن، شخم زدن	غَنَم	گوسفندان، گوسفندداری
حُصُولٌ عَلَى	به دست آوردن	لُحُوم	گوشت‌ها، انواع گوشت «مفرد: لَحْم»
حَضَارَات	تمدن‌ها «مفرد: حَضَارَة»	مَاعِز	بُر
دَخَلَ	درآمد	مَصْدَر	منبع «جمع: مَصَادِر»



عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

صحیح و غلط را مطابق متن درس مشخص کنید.



١ قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ عليه السلام: نِعَمَ الْمَالِ الشَّاةُ.

۱- امام صادق(ع) فرمودند: بهترین مال گوسفند است.



٢ الزَّرَاعَةُ، أَسَاسٌ فِي ظُهُورِ الْحَضَارَاتِ الْقَدِيمَةِ.

۲- کشاورزی پایه پیدایش تمدن‌های قدیم است.



٣ الزَّرَاعَةُ، تَخْلُقُ فُرَصَ عَمَلٍ لِقَلِيلٍ مِنَ الْأَشْخَاصِ.

۳- کشاورزی فرصت‌های کار را برای افراد کمی ایجاد می‌کند.



٤ تَرْبِيَةُ الْمَوَاشِي، مَصْدَرٌ رَئِيسِيٌّ لِلْمُنْتَجَاتِ الصَّنَاعِيَّةِ.

۴- دام‌داری ریشه اصلی تولیدات دستی است.

إِعْلَمُوا

إِسْمُ التَّفْضِيلِ

اسم تفضیل: مفهوم برتری داشتن چیزی یا کسی بردیگری را دارد.

- نکته ۱: وزن اسم تفضیل:
- ۱- مذکر بر وزن **أَفْعَل** می‌آید مانند: **أكبر** و **أصغر**.
 - ۲- مؤنث بر وزن **فُعْلَى** می‌آید مانند: **كُبْرَى** و **صُغْرَى**.

أكبر: بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین	گبیر: بزرگ
أحسن: خوب‌تر، خوب‌ترین	حسن: خوب
أجمل: زیباتر، زیباترین	جمیل: زیبا



مانند: حمیدُ **أكبر** من سعید .
حمید از سعید **بزرگتر** است.



حمیدهُ **أصغر** من سعیده.
حمیده از سعیده **کوچکتر** است.

۲- اسم تفضیل معادل صفت **برتر** و صفت **برترین** در زبان فارسی است.



مانند: جَبَلُ دَمَاوَنْدِ **أَعْلَى** جَبَلٍ فِی ایران.
کوه دماوند **بلندترین** کوه در ایران است.



سِعْرُ بِطَاقَةِ الطَّائِرَةِ **أَعْلَى** مِنْ سِعْرِ بِطَاقَةِ الْحَافِلَةِ وَ الْقِطَارِ.
نرخ بلیط هواپیما **گران‌تر** از نرخ اتوبوس و قطار است.

نکته ۲: غالباً جمع اسم تفضیل بر وزن **أَفَاعِل** می‌آید.

مانند: أَرْدَل (بر وزن) **أَرَادِل**

أَفْضَل (بر وزن) **أَفَاضِل**

إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلُ ، هَلَكَ الْأَفَاضِلُ. (علیه السلام)

هرگاه پست‌ترها به فرمانروایی برسند، برترها هلاک می‌شوند.

نکته ۳: اسم تفضیل در حالت **مقایسه** بین دو اسم مؤنث معمولاً بر وزن **أَفْعَل** می‌آید.

مانند: «فَاطِمَةُ **أَكْبَرُ** مِنْ زَيْنَبٍ»

نکته ۴: دو کلمه خَیْر و شَرُّ به معنای اسم تفضیل می آیند.

مانند :

۱- خَیْرُ الْمَوْرِ أَوْسَطُهَا: بهترین کارها میانه ترین آنهاست.

۲- شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا یَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ: بدترین مردم کسی است که به امانت پایبند نباشد.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْآيَةَ وَالْأَحَادِيثَ، ثُمَّ صَعِّ خَطًّا تَحْتَ اسْمِ التَّفْضِيلِ.

خودت را امتحان کن: آیه و احادیث را ترجمه کن. سپس زیر اسم تفضیل خط بکش.

۱ ﴿... وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ...﴾ التَّحُل: ۱۲۵

۲ لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۳ أَعَدَلَ النَّاسِ، مَنْ رَضِيَ لِلنَّاسِ مَا يَرْضَى لِنَفْسِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۴ أَعْلَمَ النَّاسِ، مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۵ أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ، أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۶ أَشْجَعُ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

جادل: بحث کن صل: گمراه شد أثقل: سنگین تر (ثقیل: سنگین) میزان: ترازو (ترازوی کارها)
رضی: راضی شد (من رضی: هرکس راضی شود) غلب: غلبه کرد (من غلب: هرکس غلبه کند)

الْتَّمَرِينُ الثَّانِي : عَيِّنِ إِسْمَ التَّفْضِيلِ وَ أَوْزَانَهُ فِي الْجُمْلِ التَّالِيَةِ .

اسم تفضیل و وزن های آن را در جملات زیر مشخص کنید.



۱- حَمِيدٌ أَكْبَرُ طَالِبٍ فِي الْمَدْرَسَةِ.

اسم تفضیل: () بر وزن ()



۲- حَمِيدَةٌ أَصْغَرُ طَالِبَةٍ فِي الصَّفِّ.

اسم تفضیل: () بر وزن ()

۳- يَعْفُو الْأَكْبَرُ عَنِ الْأَصَاغِرِ.

اسم تفضیل: () بر وزن ()

۴- وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى .

اسم تفضیل: () بر وزن ()

۵- لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ.

اسم تفضیل: () بر وزن ()



الْتَمَرِينُ الثَّالِثُ: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ وَ الْمَصَادِرَ التَّالِيَةَ.

فعلها و مصدرهای زیر را ترجمه کن.

الْمَاضِي	الْمُضَارِع	الْأَمْرُ وَ النَّهْيُ	الْمَصْدَر
أَحْسَنَ:	يُحْسِنُ: نیکی می کند	أَحْسِنْ:	إِحْسَان: نیکی کردن
اِقْتَرَبَ: نزدیک شد	لَا يَقْتَرِبُ:	لَا تَقْتَرِبْ:	اِقْتِرَاب: نزدیک شدن
انْكَسَرَ:	سَيَنْكَسِرُ:	لَا تَنْكَسِرْ: شکسته نشو	انْكِسَار: شکسته شدن
اسْتَغْفَرَ: آمرزش خواست	يَسْتَغْفِرُ:	اسْتَغْفِرْ: آمرزش بخواه	اسْتِغْفَار:
مَا سَافَرَ:	لَا يُسَافِرُ: سفر نمی کند	سَافِرْ:	مُسَافَرَة: سفر کردن
تَعَلَّمَ:	يَتَعَلَّمُ: یاد می گیرد	تَعَلَّمْ:	تَعَلُّم: یاد گرفتن
تَبَادَلَ:	يَتَبَادَلُ:	لَا تَتَبَادَلْ: عوض نکن	تَبَادُل: عوض کردن
عَلَّمَ: آموزش داد	سَوْفَ يُعَلِّمُ:	عَلِّمْ:	تَعْلِيم: آموزش دادن



۲

الدَّرْسُ الثَّانِي



يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾

الأحزاب: ٧٠

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و سخنی درست و استوار بگویید.

آدَابُ الْكَلَامِ فِي الْقُرْآنِ وَ الْأَحَادِيثِ

ترجمه:



﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾ الأحزاب: ٧٠

ترجمه:

﴿أُذِعْ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ﴾ النحل: ١٢٥

ترجمه:

﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾ الإسراء: ٣٦

ترجمه:

﴿لَمْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ الصَّف: ٢

ترجمه:



مَنْ خَافَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ، فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

ترجمه:

كَلَّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

ترجمه:

اتَّقُوا مَوَاضِعَ الشُّهْمِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

ترجمه:



تَكَلَّمُوا تُعَرَفُوا؛ فَإِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

ترجمه:

لَا تُحَدِّثُ بِمَا تَخَافُ تَكْذِيبُهُ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

ترجمه:

فَكَّرْ، ثُمَّ تَكَلَّمْ، تَسْلَمْ مِنَ الزَّلَلِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

ترجمه:

عَوِّدْ لِسَانَكَ لِسَانَ الْكَلَامِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

ترجمه:

خَيْرُ الْكَلَامِ، مَا قَلَّ وَدَلَّ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

ترجمه:

رُبَّ كَلَامٍ، كَالْحُسَامِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

ترجمه:



الْمُعْجَم

سَخَنَ بَغْوً	كَلَّمَ	پروا کنید	إِتَّقُوا
سَخَنَ نَغْوً	لَا تُحَدِّثْ	فرا بخوان	أُدْعُ
پیروی نکن	لَا تَقْفُ	تهدمت‌ها	تُهَمِّمْ
نرم	لَيِّنْ	جای لغزنده	زَلِّ
آنچه کم باشد و راهنمایی کند. (سخن کوتاه و رهنمون)	مَا قَلَّ وَ دَلَّ	درست و استوار	سَدِّدْ
پنهان	مَخْبُوءٌ	عادت بده	عَوِّدْ



عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

صحیح و غلط را مطابق متن درس مشخص کنید.



۱ مَنْ خَافَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ، فَهُوَ قَوِيٌّ.

کسی که مردم از زبانش بترسند، پس او قوی است.



۲ عَلَيْنَا أَنْ لَا نَجْرَحَ الْآخَرِينَ بِلِسَانِنَا.

بر ما واجب است که با زبانمان دیگران را اذیت نکنیم.



۳ الَّذِي لَا يَتَكَلَّمُ لَا يُعْرِفُ شَأْنَهُ.

کسی که سخن نگفته باشد، جایگاهش شناخته نمی‌شود.



۴ الْمُؤْمِنُ لَا يَقُولُ مَا لَا يَفْعَلُ.

انسان با ایمان کاری را که انجام نمیدهد، نمی‌گوید.

گفتگو در ورزشگاه

إسماعيل	إبراهيم
تَعَالَ نَذْهَبْ إِلَى الْمَلْعَبِ.	لِمُشَاهَدَةِ أَيِّ مُبَارَاةٍ؟
ترجمه:	ترجمه:
لِمُشَاهَدَةِ مُبَارَاةِ كُرَةِ الْقَدَمِ.	بَيْنَ مَنْ هَذِهِ الْمُبَارَاةُ؟
ترجمه:	ترجمه:
بَيْنَ فَرِيقِ الصَّدَاقَةِ وَ السَّعَادَةِ.	تَعَالَ نَذْهَبْ.
ترجمه:	ترجمه:
فِي الْمَلْعَبِ ...	
ترجمه:	
أُنْظُرْ؛ فَرِيقُ الصَّدَاقَةِ هَجَمَ عَلَى الْمَرْمَى.	هَدَفٌ، هَدَفٌ! سَجَّلَ هَدَفًا.
ترجمه:	ترجمه:
لَكِنَّ الْحَكَمَ مَا قَبِلَ الْهَدَفَ؛ لِمَاذَا؟!	بِسَبَبِ تَسَلُّلٍ.
ترجمه:	ترجمه:
فِي نِهَائَةِ الْمُبَارَاةِ ...	
ترجمه:	
الْحَكَمُ يَصْفِرُ.	تَعَادَلَا مَرَّةً ثَانِيَةً.
ترجمه:	ترجمه:

إِعْلَمُوا

إِسْمُ الْمُبَالَغَةِ

«اسم مبالغه» بر بسیاری صفت، یا انجام دادن کاری دلالت دارد و بر وزن «فَعَّال» و «فَعَّالَة» است و در ترجمه فارسی آن می‌توانیم از قید «بسیار» استفاده کنیم؛ مثال:

عَلَّامَة: بسیار دانا	فَهَامَة: بسیار فهمیده	صَبَّار: بسیار بُردبار
غَفَّار: بسیار آمرزنده	كَذَّاب: بسیار دروغگو	رَزَّاق: بسیار روزی‌دهنده
خَلَّاق: بسیار آفریننده		



كَانَ الْعَلَّامَةُ الطَّبَّاطِبَائِيُّ رَجُلًا فَهَامًا وَ
مِنْ أَبْرَزِ الْفَلَّاسِفَةِ وَالْعُرَفَاءِ
فِي الْقَرْنِ الْعَشْرِينَ.

گاهی وزن «فَعَّال» بر «اسم شغل» دلالت می‌کند؛ مانند:

نَجَّار: نجَّار

خَيَّاط: دوزنده

حَدَّاد: آهنگر

خَبَّاز: نانوا



الْحَدَّاد



الْخَبَّاز

این دو وزن، گاهی نیز بر «اسم ابزار، وسیله یا دستگاه» دلالت می‌کند؛ مانند:
فَتَّاحَة (در بازکن)؛ نَظَّارَة (عینک)؛ سَيَّارَة (خودرو)؛ سَمَّاعَة (گوشیِ تلفن، بلندگو)



الْعَسَّالَة



الْجَوَّال

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۱): لِلتَّرْجَمَةِ.

(خودت را امتحان کن (۱): ترجمه کن)

.....	﴿حَمَالَةَ الْحَطَبِ﴾	۱
.....	﴿الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ﴾	۲
.....	﴿أَمَارَةٌ بِالسَّوءِ﴾	۳
.....	﴿عَلَامُ الْغُيُوبِ﴾	۴
.....	﴿هُوَ كَذَّابٌ﴾	۵
.....	﴿لِكُلِّ صَبَّارٍ﴾	۶
.....	الطَّيَّارُ الْإِيرَانِيُّ	۷
.....	يَا سَتَّارَ الْغُيُوبِ	۸
.....	يَا غَفَّارَ الذُّنُوبِ	۹
.....	فَتَّاحَةَ الرُّجَاةِ	۱۰
.....	أَهْلَاتِفُ الْجُؤَالِ	۱۱
.....	أَفْضَلُ فَنَّانٍ	۱۲

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۲): عَيِّنِ اسْمَ الْمُبَالَغَةِ.

(خودت را امتحان کن (۲): اسم مبالغه را مشخص کن)

- | | | | | |
|------------------------------------|-------------------------------------|------------------------------------|------------------------------------|---|
| ☐ كِتَابَةٌ | ☐ صَبَّارَةٌ | ☐ صَدَاقَةٌ | ☐ عَلَامَةٌ | ۱ |
| ☐ غَفَّارٌ | ☐ صُنَاعٌ | ☐ عَذَابٌ | ☐ فَرَاغٌ | ۲ |
| ☐ زَمَانٌ | ☐ جِهَادٌ | ☐ كَذَّابٌ | ☐ سَمَاءٌ | ۳ |



الْتَمَرِينُ الْأَوَّلُ: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

(احادیث نبوی را ترجمه کن و آنچه از تو خواسته شده را مشخص کن)

۱ إِنَّ مِنْ شَرِّ عِبَادِ اللَّهِ، مَنْ تُكْرَهُ مُجَالَسَتُهُ لِفُحْشِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

.....	(الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ وَ الْجَمْعُ الْمَكْسَرُ)
-------	---

۲ أَتَقَى النَّاسَ، مَنْ قَالَ الْحَقَّ فِي مَا لَهُ وَعَلَيْهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

.....	(اسْمُ التَّفْضِيلِ وَ الْفِعْلُ الْمَاضِي)
-------	---

۳ لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ، بَلْ لَا تَقُلْ كُلَّ مَا تَعْلَمُ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

.....	(الْمُضَارِعُ الْمَنْفِي وَ فِعْلُ النَّهْيِ)
-------	---

۴ قُلِ الْحَقُّ، وَإِنْ كَانَ مُرًّا. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

.....	(فِعْلُ الْأَمْرِ وَ الْفِعْلُ الْمَاضِي)
-------	---

فُحْشٌ: گفتار و کردار زشت مُرٌّ: تلخ

الْتَمَرِينُ الثَّانِي: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ وَ الْمَصَادِرَ التَّالِيَةَ.

(فعلها و مصدرهای زیر را ترجمه کن)

أَنْقَذَ:	يُنْقِذُ:	أَنْقَذَ:	يُنْقِذُ:
.....	نجات می دهد		نجات دادن
إِبْتَعَدَ:	لَا يَبْتَغِدُ:	إِبْتَعَدَ:	لَا يَبْتَغِدُ:
.....	دور نمی شود		دور شدن
انْسَحَبَ:	سَيَنْسَحِبُ:	انْسَحَبَ:	سَيَنْسَحِبُ:
عقب نشینی کرد		عقب نشینی نکن	عقب نشینی کردن
اسْتَحْدَمَ:	يَسْتَحْدِمُ:	اسْتَحْدَمَ:	يَسْتَحْدِمُ:
به کار گرفت		به کار بگیر	
جالَسَ:	يُجَالِسُ:	جالَسَ:	يُجَالِسُ:
هم نشینی کرد	هم نشینی می کند	جالَسَ:	
تَذَكَّرَ:	يَتَذَكَّرُ:	تَذَكَّرَ:	يَتَذَكَّرُ:
به یاد آورد		به یاد آوردن	
تَعَايَشَ:	يَتَعَايَشُ:	تَعَايَشَ:	يَتَعَايَشُ:
.....		هم زیستی کن	هم زیستی کردن
حَرَّمَ:	يُحَرِّمُ:	حَرَّمَ:	يُحَرِّمُ:
حرام کرده است	حرام می کند	حَرَّمَ:	

التمرين الثالث: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ.

(كلماتي كه با بقيه كلمات غريبه هستند را انتخاب كن)

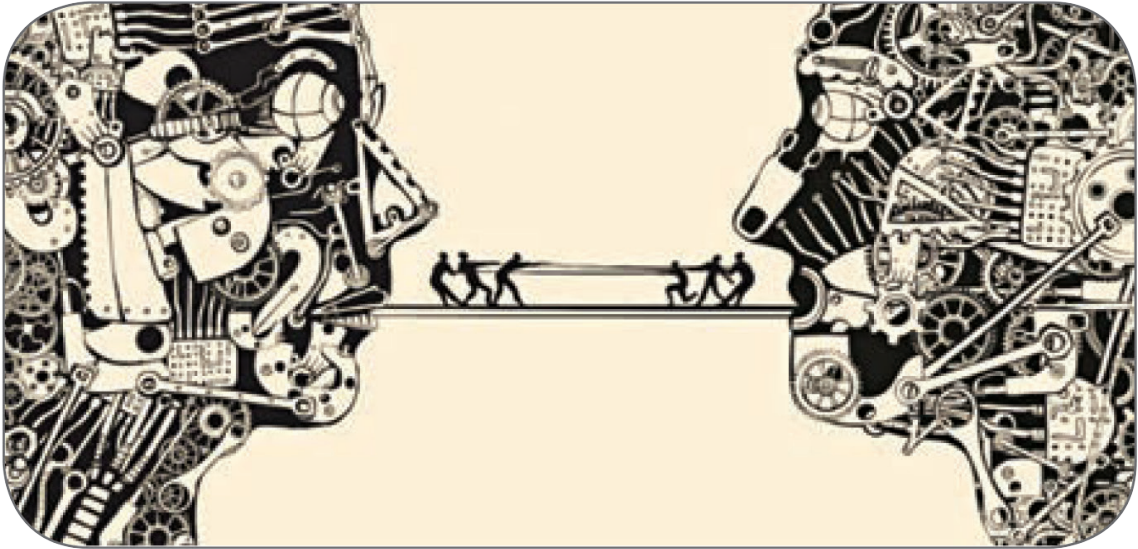
- | | | | |
|-------------------------------------|------------------------------------|-------------------------------------|---------------------------------------|
| ☐ عَشْرَات | ☐ مِائَات | ☐ أَلَف | ☐ ١ تُهَم |
| ☐ أَشْجَع | ☐ أَطِيب | ☐ أَثْقَل | ☐ ٢ أَحْمَر |
| ☐ غَسَّالَةٌ | ☐ قِرَاءَةٌ | ☐ فَتَّاحَةٌ | ☐ ٣ سَيَّارَةٌ |
| ☐ ثَعْلَب | ☐ حَرِث | ☐ أَسَد | ☐ ٤ جَمَل |
| ☐ أَبْيَض | ☐ أَخْضَر | ☐ أَسْوَأ | ☐ ٥ أَسْوَد |
| ☐ دَخَلَ | ☐ سِرْوَال | ☐ قَمِيص | ☐ ٦ فُسْتَان |
| ☐ هَدَف | ☐ مَرْمَى | ☐ حَكَم | ☐ ٧ رَضِيَ |
| ☐ لَبَن | ☐ صُوف | ☐ مِيزَان | ☐ ٨ لَحْم |
| ☐ كَذَّاب | ☐ حَدَاد | ☐ خَبَّاز | ☐ ٩ طَيَّار |
| ☐ زَلَّ | ☐ مَاعِز | ☐ بَقَر | ☐ ١٠ شَاة |





اُكْتُبْ خَمْسَ عِبَارَاتٍ بِالْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ آدَابِ الْكَلَامِ.

(پنج عبارت عربی در باره‌ی آداب سخن گفتن بنویس)



۱ الْكَلَامُ يَجْرُ الْكَلَامُ.

۲ إِذَا حَسَنَ الْخُلُقِ، لَطْفَ النَّطْقِ.

۳

۴

۵

۶

۷

يَجْرُ: می‌کشد حَسَنَ: نیکو و زیبا شد لَطْفَ: نرم و دل‌پسند شد



۳

الدَّرْسُ الثَّالِثُ



﴿ مَا رَأَيْتُ شَيْئاً إِلَّا وَرَأَيْتُ اللَّهَ مَعَهُ ﴾

الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

من چیزی ندیدم مگر اینکه خداوند را با آن دیدم

ای جمله جهان، در رُخ جان بخشِ تو پیدا
وی روی تو در آینه گُون هویدا
(شمس مغربی تبریزی)

گُون: هستی

عَجَائِبُ الْمَخْلُوقَاتِ

ترجمه:

تَفَكَّرُوا فِي الْخَلْقِ، وَلَا تَفَكَّرُوا فِي الْخَالِقِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

ترجمه:



ترجمه:

الطَّائِرُ الطَّنَانُ

أَصْغَرُ طَائِرٍ طَوْلُهُ خَمْسَةُ
سَنْتِمِترَاتٍ، يَطِيرُ إِلَى الْأَعْلَى وَ
الْأَسْفَلِ، وَ إِلَى الْيَمِينِ وَ الْيَسَارِ،
وَ إِلَى الْأَمَامِ وَ الْخَلْفِ. إِنَّهُ يُحَرِّكُ
جَنَاحَهُ ثَمَانِينَ مَرَّةً تَقْرِيْباً فِي
الثَّانِيَةِ الْوَاحِدَةِ.



ترجمه:

التَّمْسَاحُ

بَعْدَ تَنَاوُلِ طَعَامِهِ يَفْتَحُ فَمَهُ،
فَيَدْخُلُ فِيهِ طَائِرٌ بِاسْمِ الرَّقَزَاقِ، وَ
يَأْكُلُ بَقَايَا الطَّعَامِ.



السَّمَكُ الطَّائِرُ

يَقْفِزُ بِحَرَكَهٖ مِنْ ذَنْبِهِ الْقَوِيّ، وَ
يَطِيرُ فَوْقَ سَطحِ الْمَاءِ لِلْفِرَارِ مِنْ
عَدُوِّهِ خَمْسًا وَ أَرْبَعِينَ ثَانِيَةً.

ترجمه:

.....

.....

.....



نَقَّارُ الْخَشَبِ

طَائِرٌ يَنْقُرُ جَذَعَ الشَّجَرَةِ عَشْرَ مَرَّاتٍ
فِي الثَّانِيَةِ عَلَى الْأَقْل.

ترجمه:

.....

.....



السَّنَجَابُ الطَّائِرُ

لَهُ غِشَاءٌ كَالْمِظَلَّةِ يَفْتَحُهُ حِينَ يَقْفِزُ
مِنْ شَجَرَةٍ إِلَى شَجَرَةٍ أُخْرَى.

ترجمه:

.....

.....



حَيَّةُ الصَّحْرَاءِ

عِنْدَ شِدَّةِ الْحَرَارَةِ، تَضَعُ ذَنْبَهَا فِي الرَّمْلِ،

ثُمَّ تَقِفُ كَالْعَصَا.

فَعِنْدَمَا يَقِفُ طَائِرٌ عَلَى الْعَصَا، تَصِيدُهُ.

ترجمه:

.....

.....

.....

الْمُعْجَم

مرغ باران	رَقَزَاق	پایین، پایین تر ≠ اَعْلَى	أَسْفَلَ
مرغ مگس	طَنَان	صید می کند (ماضی: صَادَ)	تَصِيدُ
پوشش	غِشَاء	فکر کنید	تَفَكَّرُوا
دهان	قَم	بال	جَنَاح
چتر	مِظَلَّة	دُم	ذَنْب
پرواز می کند (ماضی: طَارَ)	يَطِيرُ	ماسه	رَمْل

(به سوالات زیر مطابق متن درس پاسخ دهید)

۱ ما هُوَ اَصْغَرُ طَائِرٍ فِي الْعَالَمِ؟

کوچکترین پرنده جهان کدام است؟

.....

۲ مَا اسْمُ الطَّائِرِ الَّذِي يَدْخُلُ فَمَ التَّمْسَاحِ؟

پرنده ای که به دهان تمساح داخل میشود چه نام دارد؟

.....

۳ كَيْفَ يَطِيرُ السَّمَكُ الطَّائِرُ فَوْقَ سَطْحِ الْمَاءِ؟

ماهی پرنده چگونه روی آب پرواز میکند؟

.....

۴ كَمْ مَرَّةً يَنْقُرُ نَقَّارُ الْخَشَبِ جَذَعَ الشَّجَرَةِ فِي الثَّانِيَةِ؟

پرنده نوک زن در ثانیه چند مرتبه به شاخه درخت نوک میزند؟

.....

حوار (مع الطبيب)

گفتگو با پزشک

الطبيب	المريض
ترجمه:	ترجمه:
ما بِكَ؟	أَشْعُرُ بِأَلَمٍ فِي صَدْرِي، وَعِنْدِي صُدَاعٌ.
ترجمه:	ترجمه:
أَضْغَطُ الدَّمَّ عِنْدَكَ أَمْ مَرَضُ السُّكَّرِ؟	مَا عِنْدِي ضَغْطُ الدَّمِّ وَلَا مَرَضُ السُّكَّرِ.
ترجمه:	ترجمه:
بَعْدَ الْفَحْصِ	
ترجمه:	
أَنْتَ مُصَابٌ بِزُكَامٍ، وَعِنْدَكَ حُمَّى. أَكْتُبُ لَكَ وَصْفَةً.	شُكْرًا يَا حَضْرَةَ الطَّبِيبِ.
ترجمه:	ترجمه:



حُمَّى: تب

زُكَام: سرماخوردگی شدید

مُصَاب: دچار

أَلَم: درد

إِعْلَمُوا

إِسْمُ الْمَكَانِ

اسم مکان : اسمی است که بر مکان دلالت دارد .

وزن اسم مکان :

۱- بیشتر بر وزن **مَفْعَل** می آید . مانند : **مَطْبَخ** ، **مَشْهَد**

۲ - گاهی بر وزن **مَفْعِل** و **مَفْعَلَه** می آید . مانند : **مَنْزِل** ، **مَكْتَبَه**

نکته : اسم مکان در حالت جمع بر وزن **مَفَاعِل** می آید مانند :

منزل ← **مَنَازِل** مدرسه ← **مَدَرِسَة** مدارس

ملعب ← **مَلَاعِب** معلم ← **مَلَاعِم**



إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (١): تَرْجِمِ الْآيَةَ وَ الْعِبَارَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْمَكَانِ وَ اسْمَ التَّفْضِيلِ.

(خودت را امتحان کن (١): آیه و عبارت زیر را ترجمه کن. سپس اسم مکان و اسم تفضیل را مشخص کن)

١ ﴿... وَ جَادِلْهُمْ بِآلَتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ...﴾ النَّحْل: ١٢٥

٢ كَانَتْ مَكْتَبَةُ جُنْدِي سَابُور فِي خُوزِسْتَانِ أَكْبَرَ مَكْتَبَةٍ فِي الْعَالَمِ الْقَدِيمِ.



إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (٢): عَيِّنِ اسْمَ الْمَكَانِ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ.

(خودت را امتحان کن (٢): اسم مکان را در هر مجموعه انتخاب کن)

- | | | | |
|--------------------------------------|--------------------------------------|------------------------------------|--------------------------------------|
| ☐ ١ مَطَايِخْ | ☐ مَطْبُوخْ | ☐ طَبَّاخْ | ☐ طَبَخْ |
| ☐ ٢ حَاكِمْ | ☐ مَحْكَمَةٌ | ☐ مَحْكُومْ | ☐ مُحَاكَمَةٌ |
| ☐ ٣ جُلُوسْ | ☐ مُجَالَسَةٌ | ☐ مَجْلِسْ | ☐ جُلُوسَةٌ |
| ☐ ٤ مَعْبُودْ | ☐ عَابِدْ | ☐ عِبَادَةٌ | ☐ مَعْبَدْ |
| ☐ ٥ مُخْرِجْ | ☐ إِخْرَاجْ | ☐ خُرُوجْ | ☐ مَخْرَجْ |

جَادِلْ: بحث کن ضَلَّ: گمراه شد

التمرين الأول: تَرْجِمِ العِبَارَاتِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

(عبارت زیر را ترجمه کن سپس آنچه خواسته شده را مشخص کن)

١ تَسْقُطُ أَسْنَانُ سَمَكِ الْقِرْشِ دَائِماً وَ تَنْمُو أَسْنَانُ جَدِيدَةٌ مَكَانَهَا. وَ فِي بَعْضِ أَنْوَاعِهِ تَنْمُو آلاَفُ الْأَسْنَانِ فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ.



الْمَطْلُوبُ:
مفرد «أسنان»:
مفرد «آلاف»:
مترادف «سنة»:

٢ الْحَوْتُ الْأَزْرَقُ أَكْبَرُ الْكَائِنَاتِ الْحَيَّةِ فِي الْعَالَمِ. يَبْلُغُ طَوْلُهُ ثَلَاثِينَ مِثْرًا وَ وَزْنُهُ مِئَةٌ وَ سَبْعِينَ طُنًّا تَقْرِيْبًا.



الْمَطْلُوبُ:
اسم تفضيل:
اسم مفرد مؤنث:
فعل مضارع:

٣ الَّتَمْسَاحُ لَا يَبْكِي عِنْدَ أَكْلِ فَرِيْسَتِهِ، بَلْ عِنْدَمَا يَأْكُلُ فَرِيْسَةً أَكْبَرَ مِنْ فَمِهِ، تَفْرُزُ عِيُونُهُ سَائِلًا كَأَنَّهُ دُمُوعٌ.



الْمَطْلُوبُ:
مترادف «أكل»:
اسم جمع مكسر:
مفرد «دمع»:

٤ لَهْجَاتُ نَوْعٍ وَاحِدٍ مِنَ الطُّيُورِ تَخْتَلِفُ مِنْ مِيقَةِ إِلَى مِيقَةِ أُخْرَى.



الْمَطْلُوب:
جمع مكسر:
جمع مؤنث سالم:
جمع «منطقة»:

٥ الْخُفَّاشُ هُوَ الْحَيَوَانُ اللَّبُونُ الْوَحِيدُ الَّذِي يَقْدِرُ عَلَى الطَّيْرَانِ.



الْمَطْلُوب:
فعل مضارع:
جمع «حيوان»:
ضمير منفصل:

فَرِيَسَة: شكار، طعمه
تُفَرِّزُ: ترشح می کند (ماضی: أَفَرَزَ)
سائل: مایع
لَهْجَات: لهجه ها «مفرد: لَهْجَة»
لبون: پستاندار
وَحِيد: تنها
طَيْرَان: پرواز کردن

سَمَكُ الْقَرَشِ: کوسه ماهی
تَنْمُو: رشد می کند
حوت: نهنگ
کائن: موجود
حَيّ: زنده «جمع: أَحْيَاء»
يَبْلُغُ: می رسد
طُن: تُن
أَكَلَ: خوردن = تَنَاوَلَ

الْتَمَرِينُ الثَّانِي: عَيْنِ الْبَيْتِ الْفَارِسِيِّ الَّذِي يَرْتَبِطُ بِالْحَدِيثِ فِي الْمَعْنَى.

(شعر فارسی را که به حدیث در معنا ارتباط دارد را مشخص کن)

۱. الْمُؤْمِنُ، قَلِيلُ الْكَلَامِ كَثِيرُ الْعَمَلِ. الْإِمَامُ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۲. الْعَالِمُ بِلا عَمَلٍ، كَالشَّجَرِ بِلا ثَمَرٍ. رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

۳. أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ، كَمَا أَمَرَنِي بِإِدَاءِ الْفَرَائِضِ. رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

۴. عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ، خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. الْإِمَامُ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۵. أَلْذَهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ. الْإِمَامُ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۶. خَيْرُ الْأُمُورِ، أَوْسَطُهَا. رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

(نظامی گنجوی)

تا زانک تو جهان شود پُر

ا. کم کوی و کزیده کوی چون دُر

(امیر خسرو دهلوی)

کالبدی دارد و جانیش نیست

ب. علم کز اعمال نشانیش نیست

(سعدی شیرازی)

هم لایق دشمن است و هم لایق دوست

ج. اندازد نکه دار که اندازد نکوست

(قائم مقام فراهانی)

چرخ بازیگر ازین بازیچه با بسیار دارد

د. روزگارست آن که که عزت دهد که خوار دارد

(حافظ شیرازی)

با دوستان مروت با دشمنان مدارا

ه. آسایش دو کیتی تفسیر این دو حرف است

(نظامی گنجوی)

بہتر از آن دوست که نادان بود

و. دشمن دانا که غم جان بود

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ عَنْ خَمْسِ آيَاتٍ وَ أَحَادِيثَ حَوْلَ خَلْقِ اللَّهِ.

پنج آیه و روایت درباره آفرینش خداوند تحقیق کن (و بنویس)





الدَّرْسُ الرَّابِعُ



﴿الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ * عَلَّمَهُ الْبَيَانَ﴾

الرَّحْمَنُ: ١ تا ٤

خدای بخشاینده، قرآن را آموزش داد، انسان را آفرید، سخن گفتن را به او آموخت.

تَأْثِيرُ اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ عَلَى اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ

ترجمه:



نُقِلَتْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ أَلْفَاظٌ فَارِسِيَّةٌ كَثِيرَةٌ مُنْذُ الْعَصْرِ الْجَاهِلِيِّ بِسَبَبِ التَّجَارَةِ،
وَكَانَتْ تِلْكَ الْمُفْرَدَاتُ مُرْتَبِطَةً بِبَعْضِ الْبُضَائِعِ الَّتِي مَا كَانَتْ عِنْدَ الْعَرَبِ
كَالْمِسْكِ وَالدِّيبَاجِ.

ترجمه:

وَ فِي الْعَصْرِ الْعَبَّاسِيِّ اِزْدَادَ نُفُوذُ اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ حِينَ شَارَكَ الْإِيرَانِيُّونَ فِي قِيَامِ
الدَّوْلَةِ الْعَبَّاسِيَّةِ. وَ كَانَ لِابْنِ الْمُقَفَّعِ دَوْرٌ عَظِيمٌ فِي هَذَا التَّأْثِيرِ، لِأَنَّهُ تَرَجَّمَ عَدَدًا
مِنَ الْكُتُبِ الْفَارِسِيَّةِ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ، مِثْلُ «كَلِيلَةِ وَ دِمْنَةِ».

ترجمه:

أَلَّفَ الدُّكْتُورُ التُّونْجِي «مُعْجَمَ الْمُعْرَبَاتِ الْفَارِسِيَّةِ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ» الَّذِي
فِيهِ كَلِمَاتٌ فَارِسِيَّةٌ مُعْرَبَةٌ.

ترجمه:

أَمَّا الْكَلِمَاتُ الْفَارِسيَّةُ الَّتِي دَخَلَتِ اللُّغَةُ الْعَرَبِيَّةُ فَقَدْ تَغَيَّرَتْ أَصَوَاتُهَا وَ أَوْزَانُهَا،

ترجمه:

مِثْلُ:

چادرشَب ← شَرَشَف

مِهْرگان ← مِهْرَجَان

پَرْدِیس ← فِرْدَوْس

تَبَادُلُ الْمُفْرَدَاتِ بَيْنَ اللُّغَاتِ، أَمْرٌ طَبِيعِيٌّ وَ لَا نَجِدُ لُغَةً بِدُونِ كَلِمَاتٍ دَخِيلَةٍ؛
كَانَ تَأْثِيرُ الْفَارِسيَّةِ عَلَى الْعَرَبِيَّةِ قَبْلَ الْإِسْلَامِ أَكْثَرَ مِنْ تَأْثِيرِهَا بَعْدَ الْإِسْلَامِ، وَ أَمَّا
بَعْدَ ظُهُورِ الْإِسْلَامِ اِزْدَادَتِ الْمُفْرَدَاتُ الْعَرَبِيَّةُ فِي اللُّغَةِ الْفَارِسيَّةِ بِسَبَبِ الْعَامِلِ
الدِّينِيِّ.

ترجمه:



الْمُعْجَم

إِزْدَادَ	افزایش یافت	قیام	برپایی، به پا خاستن
تَغَيَّرَ	دگرگون شد (مضارع: يَتَغَيَّرُ)	مُعَرَّبَ	عربی شده
دَخِيلَ	وارد شده	مُفْرَدَات	واژگان
دِيْبَاج	ابریشم	مِسْك	مُشک
شَارَكَ	شرکت کرد (مضارع: يُشَارِكُ)	نَقَلَ	منتقل کرد، ترجمه کرد (مضارع: يَنْقُلُ)

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ مُسْتَعِينًا بِالنَّصِّ.

(به سوالات زیر مطابق متن درس پاسخ دهید)

۱. أَتَوَجَدُ لُغَةً بِدُونِ كَلِمَاتٍ دَخِيلَةٍ فِي الْعَالَمِ؟

آیا زبانی بدون کلمات وارده در جهان وجود دارد؟

۲. مَتَى دَخَلَتِ الْمُفْرَدَاتُ الْفَارِسِيَّةُ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟

واژگان فارسی چه زمانی وارد زبان عربی شده است؟

۳. مَتَى اِزْدَادَ نَفُوذُ اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟

چه زمانی نفوذ زبان فارسی در زبان عربی زیاد شده است؟

۴. مَا هُوَ الْأَصْلُ الْفَارِسِيُّ لِكَلِمَةِ «فِرْدَوْس»؟

اصل فارسی کلمه فردوس چیست؟

إِعْلَمُوا

حروف ناصبه: آن، لَنْ، كَيْ، اِذِنْ قبل از فعل مضارع می آیند و مضارع را منصوب می کنند.

(ان یفعل - لن یفعل و ...)

مانند : یَجْلِسُ ← لَنْ یَجْلِسَ (منصوب)

نکته ۱: از حروف ناصبه حرف لَنْ وقتی قبل از فعل مضارع باشند ، معنای **فعل آینده منفی** می شود.

مانند : یَجْلِسُ (می نشیند) ← لَنْ یَجْلِسَ (نخواهد نشست)

فعل مضارع		فعل مستقبل (آینده)		فعل آینده منفی	
أَشْرَبُ	می نوشم	سَأَشْرَبُ، سَوْفَ أَشْرَبُ	خواهم نوشید	لَنْ أَشْرَبَ	نخواهم نوشید
تَعْلَمُ	می دانی	سَتَعْلَمُ، سَوْفَ تَعْلَمُ	خواهی دانست	لَنْ تَعْلَمَ	نخواهی دانست
يَذْهَبُ	می رود	سَيَذْهَبُ، سَوْفَ يَذْهَبُ	خواهد رفت	لَنْ يَذْهَبَ	نخواهد رفت
نَأْكُلُ	می خوریم	سَنَأْكُلُ، سَوْفَ نَأْكُلُ	خواهیم خورد	لَنْ نَأْكُلَ	نخواهیم خورد
تَكْتُبُونَ	می نویسید	سَتَكْتُبُونَ، سَوْفَ تَكْتُبُونَ	خواهید نوشت	لَنْ تَكْتُبُوا	نخواهید نوشت
يَعْرِفُنَ	می شناسند	سَيَعْرِفُنَ، سَوْفَ يَعْرِفُنَ	خواهند شناخت	لَنْ يَعْرِفُنَ	نخواهند شناخت
يَسْمَعُونَ	می شنوند	سَيَسْمَعُونَ، سَوْفَ يَسْمَعُونَ	خواهند شنید	لَنْ يَسْمَعُوا	نخواهند شنید
يَجْلِسُنَ	می نشینند	سَيَجْلِسُنَ، سَوْفَ يَجْلِسُنَ	خواهند نشست	لَنْ يَجْلِسُنَ	نخواهند نشست

نکته ۲: از حروف جازمه وقتی حرف **لَمْ** بر سر فعل مضارع بیاید معنای آن فعل مضارع به **ماضی ساده** یا **ماضی نقلی** تبدیل می‌شود.

مانند: **يَجْلِسْنَ** (می‌نشینند) ، **لَمْ يَجْلِسْنَ** (نشستند، ننشسته‌اند)

نکته ۳: حروف ناصبه (**أَنْ**، **لَنْ**، **كَيْ**، **إِذَنْ**) و جازمه (**لَمْ**، **لَمَّا**، **لَا**، **أَمْ**، **لَايَ** نهی) آخر صیغه‌های مفرد و متکلم فعل مضارع را به ترتیب منصوب (**فَتْحَه** ـ) و مجزوم (**سَاكُن** ـ) می‌کنند و در صیغه‌های مثنی و جمع حرف نون را از آخر فعل حذف می‌کنند بجز صیغه جمع مؤنث غایب (**يَفْعَلْنَ**) و صیغه جمع مؤنث مخاطب (**تَفْعَلْنَ**)

فعل مضارع		فعل ماضی ساده و نقلی منفی	
أَشْرَبُ	می‌نوشم	لَمْ أَشْرَبْ	ننوشیدم، ننوشیده‌ام
تَعَلَّمُ	می‌دانی	لَمْ تَعَلَّمْ	ندانستی، ندانسته‌ای
يَذْهَبُ	می‌رود	لَمْ يَذْهَبْ	نرفت، نرفته است
نَأْكُلُ	می‌خوریم	لَمْ نَأْكُلْ	نخوردیم، نخورده‌ایم
تَكْتُبُونَ	می‌نویسید	لَمْ تَكْتُبُوا	ننوشتید، ننوشته‌اید
يَعْرِفْنَ	می‌شناسند	لَمْ يَعْرِفْنَ	ندانستند، ندانسته‌اند
يَسْمَعُونَ	می‌شنوند	لَمْ يَسْمَعُوا	نشنیدند، نشنیده‌اند
يَجْلِسْنَ	می‌نشینند	لَمْ يَجْلِسْنَ	نشستند، ننشسته‌اند

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَ الْحَادِيثَيْنِ حَسَبَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ، ثُمَّ عَيِّنِ الْأَفْعَالَ الْمُضَارِعَةَ.

خودت را امتحان کن: آیات و احادیث (روایات) را مطابق قواعد درس ترجمه کن، سپس فعل‌های مضارع را مشخص کن.

۱ ﴿لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾
(فعل نوع فعل:)

۲ ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ الرَّعْد: ۱۱
(فعل و نوع فعل:)

۳ ﴿وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئاً وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ﴾
الْبَقَرَة: ۲۱۶
(فعل و نوع فعل:)

۴ ﴿... أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا يَبِيعُ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ﴾
الْبَقَرَة: ۲۵۴
(فعل و نوع فعل:)

۵ ﴿... لَا تَظْلِمُ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ وَأَحْسِنْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ﴾
الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
(فعل نوع فعل:)

۶ ﴿مِنْ أَخْلَاقِ الْجَاهِلِ الْإِجَابَةُ قَبْلَ أَنْ يَسْمَعَ وَالْمُعَارَضَةُ قَبْلَ أَنْ يَفْهَمَ وَالْحُكْمُ بِمَا لَا يَعْلَمُ﴾
الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ
(فعل و و و نوع فعل:)

التمرين الثاني: عَيِّنِ الْعِبَارَةَ الْفَارِسِيَّةَ الْمُنَاسِبَةَ لِلْعِبَارَةِ الْعَرَبِيَّةِ.

(جملات فارسی که مطابق جملات عربی است را مشخص کن)

- | | |
|--|--|
| ☐ تَجْرِي الرِّيحُ بِمَا لَا تَشْتَهِي السُّفُنُ. | ☐ هر چه پیش آید خوش آید. |
| ☐ اَلْبَعِيدُ عَنِ الْعَيْنِ، بَعِيدٌ عَنِ الْقَلْبِ. | ☐ کم گوی و گزیده گوی چون دُر. |
| ☐ أَكَلْتُمْ تَمْرِي و عَصَيْتُمْ أَمْرِي. | ☐ گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی. |
| ☐ خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَ دَلَّ. | ☐ نمک خورد و نمکدان شکست. |
| ☐ الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ. | ☐ از دل برود هر آن که از دیده رود. |
| ☐ الْخَيْرُ فِي مَا وَقَعَ. | ☐ بَرَدِ کشتی آنجا که خواهد خدای وگر جامه بر تن دَرَدِ ناخدای |

التمرين الثالث: عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي الْمُفْرَدِ وَ الْجَمْعِ.

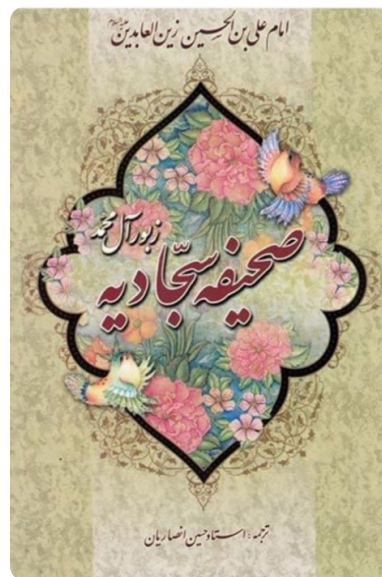
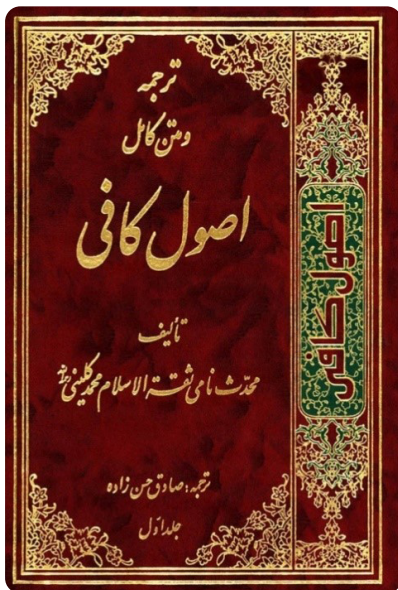
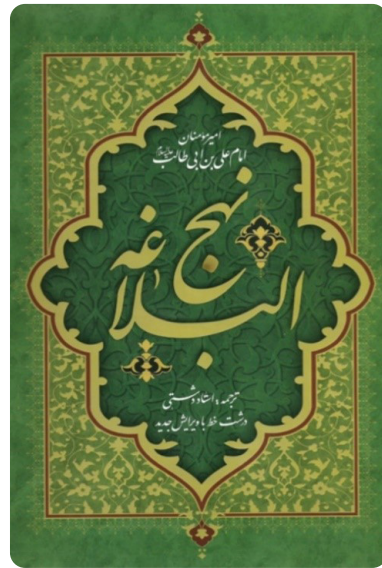
(مفرد و جمع صحیح را مشخص کن)

×	✓	مفرد و جمع	
		مَحْصُول	مَحَاصِيل
		فُسْتَان	بَسَاتِين
		بِضَاعَة	بِضَائِع
		أَفْضَل	فَضَائِل
		مَاشِيَة	مَوَاشِي
		سَفِينَة	سُفُن
		مَكْتَبَة	كُتَاب
		غَزَال	غِزْلَان
		صَانِع	صُنَاع
		نَفْس	أَنْفُس

تَشْتَهِي: می خواهد عَصَيْتُمْ: نافرمانی کردید

اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

عَيِّنْ خَمْسَةَ أَفْعَالٍ الْمُضَارِعِ الْمَنْصُوبِ بِأَنْ وَ لَنْ. ثُمَّ عَيِّنْ خَمْسَةَ أَفْعَالٍ الْمُضَارِعِ الْمَجْزُومِ مِنْ أَحَدِ هَذِهِ الْكُتُبِ.
(پنج فعل مضارع منصوب به أَنْ و لَنْ و سپس پنج فعل مضارع مجزوم از این کتابها انتخاب و بنویسید.)



أَيُّهَا الْأَحِبَّاءُ،
نَسْتَوْدِعُكُمْ اللَّهَ،
وَنَرْجُو لَكُمْ حَيَاةً طَيِّبَةً
نَتَمَنَّى لَكُمْ النِّجَاحَ،
مَعَ السَّلَامَةِ،
فِي أَمَانِ اللَّهِ.



نَتَمَنَّى: آرزو می کنیم

نَسْتَوْدِعُ: می سپاریم